

واکاوی مفاهیم فلسفی ملاصدرا در تبیین فضاهای شهری ایرانی (موردپژوهشی: فضاهای بازار ایرانی)

سمیرا مهرافزا

دانشجوی دکترا، گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمود رضایی

دانشیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

طاهره کمالی‌زاده

گروه پژوهشی فلسفه اسلامی و حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۰۲

چکیده

تفکر هویت‌دار ایرانی حلقه گمشده در شکل‌گیری هویت فرهنگی فضاهای امروز است که می‌تواند در معماری و شهرسازی نقش داشته باشد و به آینده هم منتقل شود. مفاهیم حکمی در طول زمان وجود دارند که با تفسیرهای سطحی نمی‌توان به جایگاه والای آن‌ها دست یافت. این مقاله به دنبال این پرسش است که چه نسبتی بین مفاهیم فلسفی ملاصدرای شیرازی وجود دارد و این نسبت چگونه در فضای شهری تفسیر می‌شود؟ هدف پژوهش شناساندن و واکاوی آرای این حکیم و قابلیت کاربرد و تطبیق آن در شهرسازی یگانه ایرانی است. واکاوی مفاهیم حکمی و تطبیق آن با فضا می‌تواند در خلق فضاهای معماری و شهرسازی ایرانی مؤثر باشد و به شکل یک هویت فرهنگی ایرانی واحد در فضاها استمرار یابد. پژوهش با روش داده‌بنیاد و رویکرد تحلیل محتوا و نیز با استدلال منطقی هدایت شده است، به این صورت که از تلخیص و تحلیل متون عتیق و اصیل، پژوهش‌های مرتبط شهری، مصاحبه و کدگذاری داده‌ها با نرم‌افزار اطلس تی‌آی بهره گرفته است. مفاهیم اصلی در سه مرحله به کمک کدهای باز و محوری و منتخب کدگذاری شدند. مفاهیم مرتبط با بازار ایرانی با کدگذاری محوری به مفاهیم کدهای منتخب مرتبط شده‌اند. مفاهیم وحدت، تشکیک، حرکت جوهری و محاکات به‌عنوان کدهای گزینشی تفکیک شدند و از یافته‌های پژوهش این است که واجب‌الوجود در عین اصالت و وحدت شخصی خودش، وحدت تشکیکی با موجودات عالم دارد که شدت و ضعف آن متفاوت است و با حرکت جوهری موجودات، این وحدت شکل می‌گیرد. تفسیر آن در فضا به این صورت است که حرکت جوهری به‌شکل سیالیت و پویایی فضا و تشکیک به‌صورت سلسله‌مراتب در فضا و درون‌گرایی باعث ایجاد وحدت فضا و یکی شدن با بافت شهری پیرامون خودش می‌شود و محاکات صدرایی شکل‌گیری این وحدت در فضاهای شهری است که فراتر از واژه ممییس (تقلید) با اتصال خیال هنرمند طراح با عالم مثال و محاکات از این عالم، این فضای معماری یا شهری یکپارچه ظهور می‌یابد.

واژگان کلیدی: حرکت جوهری و سیالیت، تشکیک وجود و سلسله‌مراتب، محاکات و طراحی فضا، وحدت فضای معماری و شهرسازی، ملاصدرا شیرازی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

واکاوی آرای فلسفه غرب در معماری بیش از شهرسازی تعقیب شده است؛ ولی در زمینه طراحی شهری و پیوند آن با آرای فلاسفه ایرانی کمتر پژوهشی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، اصول معماری ایرانی بیشتر بر اساس جنبه‌های اقلیمی و فرهنگی و تاریخی در نوشته‌های مختلف آمده است که میان آن‌ها به جنبه‌های فلسفی، به‌ویژه در مقیاس شهر با دیدگاه حکیمانی چون ملاصدرا، چندان پرداخته نشده است (پیرنیا و معماریان، ۱۳۸۶؛ اردلان و بختیار، ۱۳۹۰؛ قبادیان، ۱۳۹۳؛ معماریان، ۱۳۸۶؛ بانی مسعود، ۱۳۹۴؛ سلطانزاده، ۱۳۸۰؛ لطیفی، ۱۳۸۴؛ نقره‌کار، ۱۳۹۸). هرچند آرای شهرسازی در مکتب اصفهان بازنمایی شده است (حبیبی، ۱۳۷۷)، اما تعمق در آرا و فلسفه ملاصدرای شیرازی و دریافت ارتباط دقیق مفاهیم آن در تبیین فضا چندان دقیق بیان نشده است و خلأی در پژوهش‌ها برای شناساندن و کاربرد و انطباق آرای حکیمان ایرانی در فضاهای معماری و شهرسازی امروز وجود دارد. پرسش اصلی مقاله این است که چه نسبتی بین مفاهیم فلسفی ملاصدرای شیرازی وجود دارد و این نسبت چگونه در فضای شهری تفسیر می‌شود؟ بنابراین، از اهداف این پژوهش بررسی جایگاه و توانمندی و ظرفیت فلسفه اصیل ایرانی-اسلامی، به‌ویژه آرای ملاصدرا، در تبیین مفاهیم شهرسازی مرتبط با تولید فرم و فضاست، آن‌چنان که در غرب نیز چنین روندی رایج است. فیش‌برداری از طریق مراجعه به منابع مختلف کتابخانه‌ای و اینترنتی و مصاحبه از ابزارهای گردآوری است. ضمن آنکه به کمک جداول طراحی شده میان مفاهیم فلسفی ارتباط برقرار می‌شود. جمع‌آوری داده بر مبنای مفاهیم و موضوعات است و در این تحقیق، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، نظم‌دادن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به هم وابسته‌اند که با کمک نرم‌افزار اطلس تی‌آی نسخه هفت و هم‌زمان انجام می‌شوند. در بازار ایرانی، تکرار و تنوع الگوها در آن با حفظ تقارن وحدت را در بازار به وجود می‌آورند. الگوها در بازار ایرانی در شهرهای مختلف تکرار می‌شوند و چیدمان فضاها به شکل‌های مختلف، ولی با حفظ تقارن تکرار می‌شوند (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰). بازار و بناهای متصل به آن بخشی از مجموعه شهری‌اند و منفک از بقیه شهر نیستند و کلبیتی یکپارچه را می‌سازند. تک‌بناهای متصل به بازار

نیز فضاهایی مجزا نیستند، بلکه در ترکیب با هم و در رشدی ارگانیک، حالتی مواج می‌یابند. با واکاوی مفاهیم اصلی آرای ملاصدرا و متناظر کردن آن با مفاهیم مرتبط با سازماندهی فضاهای شهری اصیل ایرانی-اسلامی می‌توان گامی در جهت شناخت مفاهیم فلسفی مرتبط با معماری و شهرسازی سنتی ایرانی-اسلامی و کاربرد آن مفاهیم در خلق فضاهای معماری و شهرسازی ایرانی برداشت. آرای صدرایی برخلاف نظریه‌های اندیشمندان معاصر غربی در تولید فضای شهر مغفول مانده‌اند. ضمن اینکه آنجا که از مصادیق بهره برده شده است، به بازار ایرانی تأکید و در انتخاب بازار، آن نمونه‌هایی بیشتر بررسی شده‌اند که پس از ملاصدرا شکل گرفته‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مرتبط با مفهوم محاکات (مداحی و دیگران، ۱۳۹۶؛ طاهری، ۱۳۸۸، ۴۸؛ انصاریان، ۱۳۸۵)، حرکت جوهری (تاجر، ۱۳۸۳؛ تقدیر، ۱۳۹۶؛ سمیعی، ۱۳۸۶؛ هاشمی، ۱۳۸۴؛ مهدوی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰؛ شفیع‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۰۷) و تشکیک در پژوهش‌های (صارمی، ۱۳۹۵؛ سلیمانی شیجانی و دیگران، ۱۳۹۳) در اسناد مختلف‌دیده می‌شوند؛ اما در این پژوهش، به تعریف و واکاوی این معانی در شهرسازی و تطبیق آن با وضع موجود (با مصداق بازار) پرداخته شده است. کشف معانی در بازار ایرانی با مطالعه زمینه خلق آن‌ها بیشتر درک می‌شود. فضایی مثل بازار ایرانی در دورانی به اوج و شکوفایی خودش رسید که فیلسوفانی ایرانی چون شیخ بهایی و میرداماد و ملاصدرا در آن می‌زیسته‌اند. تأثیرگذاری آرای این فیلسوفان در همه مسائل و همین‌طور در شکل‌گیری فضاهای شهری ردیابی می‌شود (بلخاری، ۱۳۹۶). بناهایی مثل بازار قبل از این فیلسوفان نیز وجود داشته‌اند؛ اما جهان‌بینی خاص ایرانی از زمان حکمت خسروانی در دوره زرتشتیان تا حکمت صدرایی ریشه‌های مشترک دارد که فیلسوفانی مثل ملاصدرا آن را به‌صورت مدون بیان نمودند. حکمای بزرگ ایران همچون فارابی، ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا با بومی‌سازی و روزرسانی فلسفه اسلامی در ادوار مختلف تاریخی، شرایط و زمینه رشد فرهنگی ایران را فراهم نمودند (کمالی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶). امروز نیز با ارائه خوانش جدید از این میراث پر بار فلسفی و با استفاده بهینه از مبانی آن در



بازار، از روش داده‌بنیاد با استدلال منطقی استفاده شود، به این صورت که با مرور متون اصیل و پژوهش‌های پیشین درباره مفاهیم اصلی حکمی آرای فیلسوفان ایرانی-اسلامی و به‌طور اخص، ملاصدرای شیرازی و نیز گردآوری متون در ارتباط با کاربرد فلسفه در معماری و تلخیص نظرات نویسندگان آن‌ها در جداول، دسته‌بندی مطالب به‌صورت کلی انجام شد. روش تحقیق داده‌بنیاد است و از استدلال منطقی بین مباحث، علی‌الخصوص در مباحث مبنایی و در ارائه نظریات به فراخور بحث استفاده شد. عکس‌های پژوهش از بازارهای ایرانی در بازارهای ایرانی دوره‌های پیش و حین و پس از ملاصدرا گرفته شدند، شامل بازارهای تبریز (از آغاز اسلام تا صفویه)، بازارهای اصفهان، ارومیه و کاشان (صفویه) و بازارهای خوی و تهران و زنجان (دوره قاجار) و فضاهای مختلف داخلی آن همچون حجره، دالان، راسته، قیصریه، تیمچه، گذر، عناصر تزئینی، آمودها مانند کاربندی، رسمی‌بندی، یزدی‌بندی، سقف‌های، مسجدجامع، آب‌انبار، قهوه‌خانه، گرمابه. مصاحبه آزاد از ۱۰ نفر در رشته‌های معماری، شهرسازی، مرمت بنا، پژوهش هنر و فلسفه صورت گرفت و متون اصیل فلسفه صدرا و نیز تفسیرهای آن‌ها در جنبه‌های فضایی-کالبدی و فلسفی مفاهیم و داده‌ها گردآوری شدند. در آخر مصاحبه آزاد از اساتید خواسته می‌شد تا افراد صاحب‌نظر دیگری را معرفی نمایند تا به‌روش گلوله برفی، به اشباع موردنظر دست یابیم. نظرات اساتید نیز در جداول قرار گرفتند و مصاحبه‌ها و تمام مطالب گردآوری شده به‌عنوان داده‌های کیفی ورودی به نرم‌افزار اطلس تی‌آی داده شدند و با استفاده از تحلیل سیستمی خروجی داده‌های کیفی به‌صورت کدها و نمودارهایی بدست آمدند که ارتباط این کدها را مشخص می‌کنند. بیش از ۱۰۰۰ کد به دست آمدند که با تحلیل محتوای کیفی، کدهای با اهمیت بیشتر حفظ و سایر کدها کنار گذاشته شدند. در جدول، کدهای باز حکمی و کدهای مرتبط با فضای شهری مرتب شدند و کدهای باز دوباره تلخیص شدند و کدهای باز به‌صورت هم‌گرا زیر دسته کدهای محوری ایده کلان سازمان‌دهنده، سازش، سیالیت، پویایی، تداوم، سلسله‌مراتب، توالی فضایی، بازنمایی و قیاس قرار گرفتند و این کدها ذیل مقوله‌های بالاتر از خودشان قرار گرفتند که شامل وحدت شخصی و وحدت تشکیکی و حرکت جوهری‌اند.

عناصر فرهنگی، از جمله شهرسازی، تحولات فرهنگی عمیق و وسیعی را شاهد خواهیم بود. همچنین دست‌یافتن به فلسفه ایرانی برای خلق فضاهای شهری جدید و نیز بازآفرینی فضاهای شهری کهن بیش از پیش احساس می‌شوند. هر چند در این پژوهش، از روش داده‌بنیاد مبتنی بر داده‌ها و تحلیل محتوای روایت‌های افراد استفاده شد که ماهیتی اجماع‌گونه دارد، در صورتی که روش فلسفی اجماع را به‌عنوان حجت و برهان نمی‌پذیرد؛ اما با تطبیق و متناظر کردن مفاهیم فلسفی صدرا و نیز با استدلال منطقی، پژوهش انجام شد و با ساده‌کردن تحلیل‌ها با کمک نرم‌افزار اطلس تی‌آی، گامی در جهت تناظر مفاهیم فلسفی با مفاهیم شهرسازی و معماری برداشته شد. در این پژوهش، مفاهیم اثبات‌شده ملاصدرا متناظر با مفاهیم شهرسازی و معماری قرار گرفتند که او نیز روش برهان و روش ذوقی و شهودی را توأمان در اثبات مفاهیم فلسفی خودش به کار برد؛ اما نوآوری این پژوهش در بیان روابط میان مفاهیم صدرا و تطبیق آن با فضای شهری بازار است تا با روشن‌شدن مفاهیم حکمی برای معماران و شهرسازان، آن را در خلق فضاهای ارزشمند و با‌معنا به کار گیرند که از طریق جمع‌آوری اطلاعات منابع و مصاحبه‌هایی است که به‌روش آزاد و گلوله برفی و با افراد صاحب‌نظر تا مرحله اشباع نظری انجام شده است. با کمک نرم‌افزار اطلس تی‌آی، کدگذاری انجام شد و مقوله‌ها بعد از نظم‌دادن و تحلیل و تفسیر دسته‌بندی و در جداول، میان مفاهیم فلسفی ارتباط برقرار شدند. دستیابی به وحدت و یکپارچگی فضای شهری با بافت پیرامونی خودش از طریق نظریه حرکت جوهری و وحدت تشکیکی به دست می‌آید. بازار ایرانی از دکان‌ها، راسته‌ها، گذرها، دالان و تیمچه‌ها با تزئینات بسیار و سایر فضاها تشکیل شده است؛ اما در حقیقت این وحدت بازار است که به آن شخصیت متفاوتی داده است و عملکردهای مختلف را کنار هم جمع می‌کند و آن را به کل شهر گسترش می‌دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

همان طوری که صدرا ساختمان حکمت متعالیه را بر دو پایه ذوق و استدلال استوار می‌دانست، در این پژوهش نیز سعی شده است برای یافتن ارتباط و نسبت بین مفاهیم حکمی صدرا و تطبیق آن در فضای شهری



۴. بحث و تحلیل

ریشه آرای شیخ اشراق که تأثیرگذار در آرای صدرا بوده است به حکمت خسروانی ایران باستان برمی گردد و شکل گیری فضاهای سنتی بر اساس جهان بینی است که از گذشته در ایران زمین وجود داشته و معماری ایرانی نیز متأثر از آن بوده است. بنابراین، می توان تناظر مفاهیم حکمت صدرایی را نیز با مفاهیم حکمت خسروانی بررسی کرد. با اینکه در مباحث فلسفه ایرانی-اسلامی به طور مستقیم به موضوعات معماری و شهرسازی اشاره نشده است، لیکن از آرای ایشان می توان مفاهیم مرتبط را برداشت نمود. در فتوت نامه ها به هریک از صناعات به صورت جداگانه پرداخته شده است. در حکمت صدرایی هم معماری جزء صناعات لطیفه آمده است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). اصول و جهان بینی خاص معماران از استاد به شاگرد منتقل می شدند و مانند فلسفه غربی ها مکتوب نشده اند. در فلسفه سهروردی و بعد از او، ملاصدرا، یافتن و خلق فضا از طریق شهود است. به عبارتی دیگر، در فلسفه ملاصدرا، هنرمند واقعی فضا را خلق نمی کند، بلکه فضایی را که در عالم مثال وجود دارد از طریق شهود و مکاشفه به ظهور می رساند. بسیاری از اندیشمندان به خصوص سنت گرایان معاصر، خلق (صور تجریدی) هنر و معماری اسلامی توسط معماران را حاصل تجلیات عرفانی و بازآفرینی صور معلقه عوالم برتر می دانند. در این بخش از پژوهش لازم است برخی از مفاهیم مهم آرای صدرا شرح داده شوند. مفهوم اول خلق جدید است. تغییر و تجدد لزوماً به معنای افول امری و جایگزینی امر دیگری نیست که اساساً متفاوت با امر سابق باشد، بلکه مراد از آن تحول استکمالی است، به این معنی که هر لحظه شیئی نسبت به حالت و لحظه قبل تجدید می گردد و با تجلیات گوناگون، رو به سوی کمال دارد. هر موجودی در هر نفسی خلقت جدیدی دارد؛ اما به سبب حجاب حس، تمایز گذاشتن میان مشابهت ها جز بر اهل کشف دشوار است (شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۳۴). مراحل تحول و تجدد بر اساس نظریه وحدت تشکیکی وجود در نگرش عرفانی صدراست که موجب وحدت موضوع در عین تغییرات ناشی از حرکت جوهری است. بنابراین، سه مشخصه قابلیت تکرار به شرط تکامل، قابلیت تطور و تبدل و قابلیت حفظ موضوعیت و وحدت موضوع در عین کثرت وجود دارند (شفیع زاده، کوهی، فاضل، ۱۳۹۷).

طبق نظر ملاصدرا، حقیقت وجود واحدی است عین کثیر و کثیری است عین واحد و بحث زمانمندی و مکانمندی اجسام نشانه نوعی امتداد در هستی آن هاست. دلیل این امر آن است که زمان امری گذراست و اجزای آن به طور متوالی به وجود می آیند و تا جزئی نگذرد، جزء دیگری از آن تحقق نمی یابد. در عین حال که مجموع اجزای بالقوه آن وجود واحدی دارند، با توجه به حقیقت زمان این نتیجه به دست می آید که هر موجودی که در ذات خودش چنین امتدادی داشته باشد، وجود تدریجی الحصول و اجزایی گسترده در بستر زمان خواهد داشت و امتداد زمانی آن را می توان به اجزای بالقوه متوالی تقسیم کرد که هیچ گاه دو جزء زمان آن با یکدیگر جمع نمی شوند (شیرازی، ۱۳۸۳: ۳). مجموعه بازار متشکل از عناصر معماری متکثر است و طی سلسله مراتبی به یکدیگر متصل می شوند و تحول می یابند. طاق و تویزه ها، قوس ها و نیم گنبدها در مسیرهای محوری بازار تکرار می شوند تا در مسیر تکاملی خودشان قرار بگیرند و در عین تکرار، با قرار گرفتن کنار هم فضاها شکل می گیرند و توسعه می یابند. با حفظ موضوعیت که بازار است، قابلیت تکرار و حرکت و خلق مداوم را دارند و با وحدتی که مجموعه بازار به عنوان یک فضای شهری در پیوند با شهر دارد، به سوی کمال می رود. مسئله خلق جدید ملاصدرا را می توان در فضاهای شهری به صورت بازآفرینی فضاهای شهری انعکاس داد. چنانچه در برنامه ها و طرح های شهری جدید بنگریم، می بینیم که فقدان چنین نگرشی چه تبعات بدی در فضاهای شهری دارد. در صورتی که «بازتولید» یا «خلق جدید» یا «خلق مداوم» در فضاهای شهری به معنای تغییرات لحظه ای در فضاهای شهری است که به تبع آن، تغییرات در برنامه های شهری به صورت مداوم بایستی صورت بگیرد و وحدت در عین کثرت در فضاهای شهری حفظ شود.

طبق نظریه اصالت وجود صدرایی، همه چیز وجود است و جوهر و ذات عالم وجود است و وجود سیال و در حرکت. مهم ترین مبانی مکتب ملاصدرا اصالت وجود است و از نتایج مهم تشکیک وجود، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است. وجود که تنها امر عینی و اصیل است، حقیقت واحد است؛ ولی درجات و مراتب مختلف دارد. ملاصدرا موجودات را اعم از واجب و ممکن، درجات تشکیکی حقیقت می داند و به نوعی بر کثرت در عین



نور، وزن، یکی شدن، منحصر به فرد، یگانه، ساختار واحد، توافق در تعامل، مرکز، نظم، تقارن پدیدار شدند. ترکیب به وسیله فضای پیوسته‌ای حاصل می‌شود که به وسیله فرم‌های هندسی با چرخه‌های تکرار شونده تعریف و به صورت افزایشی با حرکت حس می‌شود. حرکت و فضا و زمان را در هم می‌آمیزد و وحدتی به دست می‌دهد که می‌تواند تا بی‌نهایت در فضا توسعه یابد و در عین حال، در هر لحظه‌ای زمان کامل باشد (اردلان، ۱۳۸۰).



نمودار ۱. یک نمونه از مدل خروجی نرم‌افزار اطلس تی‌آی پیوند مفاهیم فلسفی ملاصدرا با مفاهیم شهرسازی. مأخذ: نگارندگان.

۴-۱-۱. نقش وحدت در فضاهای بازار

فضای شهری در انقباض خودش و در مجموعه هم‌پسته‌اش، روی به وحدت دارد و یکسانی، روی به ترکیب و همگونی دارد. در این جمع‌شدن و هم‌سانی، کل هویتی یگانه می‌یابد و شخصیتی خاص ارائه می‌دهد، فارغ از چگونگی ترکیب اجزا و عناصرش. اجزا و عناصر در این هویت کلی رنگ می‌بازند و یگانه می‌شوند. فضای شهری در انبساط خویش روی به کثرت دارد و تنوع، رو به تجزیه شدن دارد و گوناگونی. هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزا و عناصر هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد. هر جزء خودش کلی می‌شود در قیاس مربوط به خودش (حیبی، ۱۳۷۷). فضاهای گوناگون در بازار همچون حجره، راسته، دالان، سرا، تیم و تیمچه، قیصریه، خانبار، آب‌انبار، مسجد، حمام در عین تنوع فضایی، وحدتی مشخص دارند. کاربرندی یا رسمی‌بندی از عناصر شکل‌گیری تیمچه‌ها در بازارند که کاربرندی مربوط به ایستایی پوشش تیمچه و رسمی‌بندی مربوط به تزئینات داخلی و آمود است. تزئینات سقف بازار با تکرار منظم در زمینه‌های دایره و مربع یا چندضلعی‌های منظم تشکیل کلیت یکپارچه‌ای می‌دهند و وحدتی را در کثرت پدید می‌آورند. زبان الگوی الکساندر بر این نکته تصریح می‌کند که شهرهای سنتی در تمام اجزا و

وحدت و وحدت در عین کثرت بر مبنای حقیقی اعتقاد دارد (شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۸) (تصویر ۱).

حرکت جوهری که حرکت طبیعت جسم رو به کمال است، نوعی تحول تداعی می‌کند. بنابراین، در معماری می‌توان گفت نوعی حرکت معنایی و ذهنی است، یعنی حرکتی که موجب تغییر در مخاطب می‌شود و معنایی را در ذهن مخاطب هنگام درک فضا متجلی می‌کند (مهدوی‌نژاد و ناگهانی، ۱۳۹۰). بعد از بحث فلسفی حرکت جوهری، نور عنصر دیگری است که در ایجاد وحدت در فضا مهم است و در حکمت اشراقیه، سهروردی به طور کلی به آن پرداخته است. او آن را از حکمت ایران‌باستان گرفته است که فلسفه ایرانی ذوقی و شهودی است و به بحث نور و سیر و سلوک عارفانه، ریاضت و عبادت، فتوت و جوانمردی می‌پردازد (کمالی‌زاده، ۱۳۸۹).



تصویر ۲. در بحث وحدت تشکیکی، اگر مدل هرمی را در نظر بگیریم، در رأس هرم وجود حقیقی (حقیقت واحد) قرار دارد. هر چه به قاعده نزدیک می‌شویم، کثرت بیشتر می‌شود و مرتبه وجودی موجودات ضعیف‌تر. در بحث وحدت تشکیکی، موجودات نیز در عین وحدت با واجب‌الوجود، بر اساس مراتب و ظرفیتشان، از شدت و ضعف وجودی برخوردارند. مأخذ: نگارندگان، با اقتباس از نظریه حکمت متعالیه ملاصدرا.

۴-۱-۲. پیوند مفهوم وحدت صدرایی با مفاهیم

شهرسازی

کدهای محوری ایده کلان سازمان‌دهنده و سازش از کدهای باز «حس وحدت»، پیمون، نیارش، هندسه،



شهرسازی

معماری و شهرسازی مثل هر پدیده‌ای زنده و پویا هستند و در طول زمان حرکت می‌کنند و خودشان را رشد می‌دهند. در فلسفه صدر، حرکت جوهری یعنی متحرک هم «خودش» و هم «در خودش» حرکت می‌کند، یعنی شیء متحرک هر دم هویت جدید می‌یابد. ملاصدرا مسئله حرکت را در کلیه موجودات هستی و ابعاد و مراتب ادراکی جاری و ساری می‌داند (شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۷۴). بر اساس نظریه حرکت جوهری ملاصدرا، عالم ماده یک واحد حرکت به شمار می‌رود که در یک جریان عمومی، به سوی غایت نهایی در حرکت است که همان مبدأ هستی است. ثانیاً، عالم ماده همواره در حال آفرینش است و لحظه به لحظه از مبدأ هستی فیض وجود را دریافت می‌کند (اصفی، شجاری و سلخی خسرقی، ۱۳۹۶: ۷۵). کدگذاری‌ها نشان دادند که در معماری و شهرسازی، این مفهوم هم‌ردیف با معانی واژگانی چون سیالیت و پویایی است که در متون بررسی شده با مفاهیمی مثل تفاوت‌های شدتی، روانی، فضای جریان‌ها، فرایندهای زایشی، رشد تدریجی، گسترش ارگانیک، خطوط شکسته و منحنی فضای تاریک و روشن، موضوع محوری تکرار شونده هم‌پیوندند. فرشید موسوی در کتاب خودش معماری را فرایندی پیوسته می‌داند که از طریق تکرار و تفکیک در یک فرم مجازی، به خلق فرم‌ها و هویت‌های خلاقانه می‌پردازد (موسوی، ۱۳۹۱).

۴-۲-۱. نقش حرکت جوهری در فضاهای

بازار

سیستم پیوستگی فضای مثبت ترتیبی از سیستم‌های حرکتی و نقاط اتصال و روابط فضایی به وجود می‌آورد که رشد و تغییر درون حس فراخودآگاه نظم را ممکن می‌سازد. اتصال فضاها از الگوی پایه ارتباط و گذر و انجام پیروی می‌کنند (اردلان، ۱۳۸۰). با استفاده از نظریه حرکت جوهری و حفظ پیروی از کلیت شیوه رشد فضایی می‌توان به گسترش فضاهای جدید مانند بازار نائل شد. مسیرهای ارگانیک بازار فضاهای سرپوشیده‌ای اند که در عین تنوع و تداوم، از فضایی به فضای دیگر با رشدی تدریجی و گام‌به‌گام بدل می‌شوند. بازار توانسته است با سیالیت فضایی به فضاهای کالبدی معماری و شهرسازی تبدیل و در جهت‌یابی فضایی به کار آید. گسترش فضایی

عناصر از بازار و دکان تا دروازه و باغ در ایجاد این کل شریک می‌شوند، در حالی که شهر امروز چنین نیست (Alexander, et al, 1977). وحدت درون تکثر چگونه دست‌یافتنی می‌شود؟ پیوستگی ابتدایی از مفهوم فضای مثبتی ناشی می‌شود که به وسیله استفاده عمیق از تقارن و ریتم به تعالی رسیده است. فضای مثبت در شکل مثبت کلیت شهر که به صورت حجم سه‌بعدی دیده می‌شود و به دنبال الگویی از پیش‌تعیین شده از استقرار آناتومیک، توالی‌ای از حجم‌های منفی هندسی به وجود می‌آورد که انسان در لابه‌لایشان حرکت می‌کند. هدف معماری است که بافت چشم‌انداز شهر را حفظ می‌کند و از آن جداشدنی نیست (اردلان، ۱۳۸۰). وقتی مسئله بازارهای سنتی را مطرح می‌کنیم و فلسفه اصالت وجودی که با شکل‌گیری این نوع فضاها متناظرند، به این نکته می‌رسیم که بازار برای تداوم خودش بر اساس تکنولوژی‌های معاصر و تأمین زیرساخت‌های خودش با رشد و پیوندی که با محله‌های اطراف خودش دارد، نه تنها باید جلوی آسیب‌های محله‌های مسکونی اطرافش را بگیرد، بلکه باید محله‌های اطرافش را تقویت کند و تشکیل یک کلیت یکپارچه بر اساس نظریه مراتب وجود و وحدت شخصی و وحدت تشکیکی ملاصدرا بدهد. در فضای سنتی بازار با رویکرد عرفانی و حکمی معمار آن، توجه به وحدت در کثرت حفظ شده است، به عبارتی رویکرد توحیدی به همه موجودات و عناصر در نقوش و عناصر کثیر هنر و معماری لحاظ شده است و مشهود است. معماری چیزی فراتر از پوشاندن فضاهای تهی است و چیزی فراتر از تحدید فضاها در یک محیط بی‌نهایت از طبیعت است. در مبحث کثرت در وحدت صدرایی و بازتاب آن در بازار، کوچک‌ترین عنصر معماری بازار که آجر است، با ترکیب‌های مختلف، کلیت بازار را می‌سازد و تزئینات مختلف آجری با تنوع و تکرار، نظر بیننده را به سمت بالا و به سوی نور هدایت می‌کند. معمار در حد توان از نور بهره می‌برد و آن را از طرق مختلف وارد فضا می‌نماید و از طریق هورن‌های سقفی و از طریق پنجره‌های مشبک بالای دیوارها، شدت نور را تنظیم می‌کند و ناظر با عبور از دالان‌های کم‌نور، سرانجام به سراهای مملو از نور می‌رسد.

۴-۲. پیوند مفهوم حرکت جوهری با

تشکیکی حقیقت می‌داند و به‌نوعی بر کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت بر مبنای حقیقی اعتقاد دارد. تغییر در مرتبه وجود باعث ایجاد تفاوت در ماهیات می‌شود. هر قدر که موجودی از مرتبه وجودی بالاتری برخوردار باشد، از چشمه معرفت و شناخت به‌میزان بیشتری سیراب می‌شود (شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۵۲). برای تبیین مفهوم تشکیک وجود بیان این نکته خالی از لطف نیست که در فلسفه ایران باستان، وجود را به نور تشبیه می‌کردند و گاه به‌جای وجود، از کلمه نور استفاده می‌شد (سلیمانی شیبجانی، خاکپور، سمیعی، ۱۳۹۳)؛ زیرا نور مانند وجود سبب مشخص شدن اشیا و بی‌نهایت درجه ضعف و شدت دارد (Khameneyi, 2004). درون‌گرایی موجود در شهرها یکی از اعمال سلسله‌مراتب موردنظر در قلمروهای مختلف حیات فردی و جمعی بوده است که طبق داده‌های این پژوهش، تفسیری از نظریه وحدت تشکیکی صدرا در فضاهای معماری و شهرسازی است. یافته‌های این پژوهش نشان دادند کدهایی هم‌ردیف تشکیک‌اند، از جمله سلسله‌مرتبه فضایی، گام‌ها، رده‌بندی، تداوم فضاهای متصل، گذر از عرصه خصوصی‌تر به عمومی‌تر، درون و برون، پنهان و آشکار، فضاهای انتقالی، توالی، تجمیع و تداوم حجمی، وابستگی متقابل فضاها و تداخل فضاها.

۴-۳-۱. نقش تشکیک در فضاهای بازار

ایرانی

بر مبنای این اصل، هیچ فضای شهری یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد. هر فضای شهری یا بنا یا معماری در مکان سلسله‌مراتبی خودش است که معنا می‌یابد و خارج از آن، از تعریف تهی می‌شود. بر مبنای این اصل، هر فضای شهری یا بنا و معماری درون و بیرون دارد. در درون، زیرنظم‌های خودش را شکل می‌بخشد و در برون، از نظم‌های فراتر تأثیر می‌پذیرد (حبیبی، ۱۳۷۷). فضاهای بازار به سه دسته فضای اتصالی و انتقالی و فضای نهایی تقسیم می‌شوند. چهارسو به‌عنوان یک اتصال‌دهنده فضایی سیستم‌های حرکتی اولیه است. این اتصال‌دهنده فضایی و مولدهای احتمالی سیستم‌های حرکتی قابلیت‌های گسترده‌ای برای نقاط برخورد مؤکد نشان می‌دهند (اردلان، ۱۳۸۰). با وجود این تشکیک فضایی، توزیع فضاها در بازار و شهر

بازار به‌عنوان یک گذر اصلی، نمایشگر سیالیت فضایی است: تیمچه‌ها با ابعاد گوناگون با یا بدون رواق با یکدیگر پیوند می‌خورند (رضایی، ۱۳۹۲، ۱۸۱؛ نقره‌کار، ۱۳۸۷، ۶۰۱-۶۱۰). این سیالیت فضایی در سقف بازار نیز جلوه‌گر است. فضای بازار شبکه‌سنجیده‌شده‌ای است از فضای گنبدی با جریان مرکزی که فضاهای وابسته دکان‌ها در موازات آن قرار دارند: ارتباط با فضاهای اصلی مانند گرمابه‌ها، کاروان‌سراها، مدرسه‌ها، امامزاده‌ها و مساجد آغاز سیستم حرکتی ثانویه معابر مسکونی است (اردلان، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد نه‌تنها در نقوش هنری، بلکه در فضاهای سنتی ایرانی مثل بازار، هدف هنرمند یا معمار آن بازتاب و بیان نگرش عرفانی خلق مداوم و تکاملی ممکنات در نحوه تجلیات حق تعالی بوده است که در آن، تمامی اجزا در تحول و تجدد تکاملی به‌صورت ایجاد متوالی و پیوسته‌اند. در بازار ایرانی، راسته‌ها و دالان‌ها از طریق پیوستن طاق‌ها و توپزه‌ها و ورود متوالی نور به‌همراه مکث بین این طاق‌ها از طریق هورنو و نورگیرهای سقفی بازار و حتی کوچک‌ترین عناصر بازار که همان آجرها در به‌هم‌پیوستن و ایجاد یک کلیت واحد، حرکت به‌سمت کمال خودش را نشان می‌دهند. هندسه، سلسله‌مراتب، ریتم، شفافیت و ارتباط بصری، محور، اختلاف سطح، عناصر معماری‌اند که در تحقیقات اخیر به‌عنوان عوامل حرکت در معماری ایرانی اسلامی بررسی شده‌اند. در معماری سنتی ایرانی، معماران سعی کرده‌اند فضای مادی را به فضای معنوی پیوند دهند و این اتصال در بازار از طریق حرکت جوهری اتفاق می‌افتد. فضای بازار نیز به‌نوعی مبتنی بر نظریه فیض است که در جهان‌شناسی حکمای مسلمان، بیانگر صدور کثرات از حقیقت واحد است. این نظریه در حکمت متعالیه صدرایی نیز پذیرفته شده است. حرکت جوهری ملاصدرا سرمنشأ تفکر و ایده‌صیورورت در عالم هستی است که بر اساس آن می‌توان «پیدایش و تکامل» فضاهای شهری خودجوش (مانند رشد ارگانیک بازار) را تبیین و تحلیل نمود. بنابراین، با تداوم و تبلور فضایی، مفاهیم آن می‌توانند منجر به «آفرینش و تولید» فضاهای پیوسته و نوین شهری شوند.

۴-۳. تشکیک در فلسفه صدرا و سلسله‌مراتب

در شهرسازی

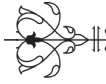
ملاصدرا موجودات را اعم از واجب و ممکن درجات

گزینه‌های مختلف، اسکیس، قیاس، کانسپت، کولاژ، استعاره، شهود، مکاشفه، بازتولید، خلق جدید، خلق مداوم، قیاس در ردیف محاکات پدیدار شدند. معنا در قوه تخیل هنرمند شکل می‌گیرد و با استفاده از نماد و استعاره آن را برای مخاطبین خلق می‌کند، یعنی صورتهایی را که از عالم مُثُل در قوه تخیل او نقش بسته‌اند، با کمک نمادها محاکات می‌نماید. در تعریف محاکات، ملاصدرا می‌گوید خداوند متعال نفس انسان را به گونه‌ای آفریده است که قدرت و توانایی ایجاد صور مجرد و مادی را دارد؛ چون از جنس ملکوت است و توانایی ابداع صور عقلی قائم به ذات خودش و صوری را دار که قائم به مواد باشند (شیرازی، ۱۳۸۳، ۱۸۱). پس هنرمند و معمار یا شهرساز در خلق آثار خودشان محاکات می‌نمایند که این محاکات از دیدگاه ملاصدرا نیاز به اتحاد عاقل و معقول یا هنرمند با اثر خودش دارد، یعنی هنرمند با اثر خودش یکی می‌شود. و این محاکات می‌تواند از طریق ادراکات حسی او و استفاده از قوه تخیل باشد، یعنی ادراکاتی را که از طریق شهودی به دست می‌آورد و وارد قوه تخیل او شده‌اند، آشکار نماید. این آثار هنری وی در عالم مثال وجود دارند و هنرمند به وسیله این قوه تخیل که از وهم جداست، این اثر را آشکار می‌کند و به آن هستی نسبی می‌دهد. در حکمت متعالیه ملاصدرا، ادراک شیء یا پدیده یا اثر هنری به این صورت است که برای مثال، وقتی تصویر یک شیء در آینه می‌افتد، آینه به‌عنوان پذیرنده نیست، بلکه سازنده و آفریننده است. علم و معرفت نوعی تحول و تکامل نفس‌اند. در این تحول و تکامل، نفس با هر اندیشه‌ای که می‌یابد، وجودی تازه پیدا می‌کند (تقدیر، ۱۳۹۶). در تحلیل این مفاهیم بر اساس آرای ملاصدرا به این تفسیر می‌توان رسید که هنرمند یا معمار یا شهرساز با کمک بازنمایی «محاکات» صورتهایی را که در قوه تخیل وی نقش بسته‌اند (این صورتهای همان صورتهای مُثُل‌اند که با کمک حواس به آن‌ها عینیت می‌بخشد)، در قالب مادی می‌آفریند؛ ولی اگر این الهامات و شهود را به درستی ادراک نکند، خلق و ابداعی اتفاق نمی‌افتد و تنها ایجاد فرم‌هایی بدون محتوا خواهند بود. صورتهای در این محاکات نیز به دلیل حرکت جوهری‌ای که وجود دارد، بین قوه تخیل و قوه عقلیه در صیوریت است و نفس هنرمند نیز به دلیل اشتدادی که وجود دارد، «تشکیک» در مرتبه‌ای قرار می‌گیرد که صورتهای مُثُل‌ی را از مبدأ تام

ایرانی از تعادل برخوردار است: فروش مشگ، کتاب، چاشنی، قهوه و پارچه نزدیک مرکز ولی مسگری، کفاشی و فعالیت‌هایی با آسیب‌های محیطی دور از مرکزند (تصاویر ۳). با وجود استقرار قشر غنی در مرکز و فقیر در حاشیه به دلیل قیمت زمین، کاروان‌سرا و سراهای زیست‌گروهی در مرکز و خانه‌های وسیع ثروتمندان در پیرامون، سبب توزیع هم‌تراز شده‌اند (رضایی، ۱۷۹۱۳۹۲-۱۸؛ Raymond, 1984). خصوصیات فضایی سه‌گانه پویایی و سیالیت و مکث باعث می‌شوند تجربه ادراکی ناظر را از نازل‌ترین مراتب به سوی کامل‌ترین آن هدایت کنند. ملاصدرا نیز قائل به مراتبی سه‌گانه برای ادراک شده است (شجاری، سلخی خسرقی، آصفی، ۱۳۹۷). اصولاً تمام ادراکات انسان مجردند و متکی به ماده‌ای در مغز یا بدن نیستند؛ زیرا ماده اساساً همراه با حرکت جوهری است و هر لحظه آن از لحظه دیگر جداست. بر این اساس، ادراک عقلی در بالاترین مرتبه و ادراک مثالی در مرتبه بعد و ادراک حسی در پایین‌ترین رتبه قرار دارد و تجربه ادراکی ناظر از مرتبه ادراک حسی به مراتب بالاتر ادراک، یعنی ادراک خیالی و عقلی تعالی می‌یابد (شیرازی، ۱۳۸۳: ۲۴۳). وظیفه معماران و طراحان شهری ایجاد محیط‌هایی است که ادراک انسان را ارتقا بخشد و بازار این چنین فضایی است که حرکت به سوی خیالات را در ناظر فراهم کرده است و با سیر تکاملی و گذر از مراتب، سعی در رسیدن به ادراک حقیقی دارد. در سلسله‌مراتب بناها، هر نوع بنا یک وظیفه را از بنای دیگر اخذ می‌کرده است و قابلیت مبادله عملکردها در ارتباط با بناهای دیگر در بازار وجود دارد. در معماری و شهرسازی ایرانی، رعایت سلسله‌مراتب، یعنی بروز و تقویت درون‌گرایی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز این شهرها بوده است. به‌عبارت دیگر، درون‌گرایی موجود در شهرها و بناها ناظر بر سلسله‌مراتب وجود است که بر اساس نظریه وحدت تشکیکی وجود تبیین‌پذیر است.

۴-۴. هم‌پیوندی مفهوم محاکات در آرای صدرا با بازنمایی در شهرسازی

در فلسفه هنر، نظریه‌های محاکات، بازنمایی، نوبازنمایی، فرانمایی و تجربه زیباشناسی به‌ترتیب مطرح شده‌اند (رضایی، ۱۳۹۳، ۲۷۰). در بررسی کدهای باز این پژوهش نیز روش‌های طراحی، آفرینش، خلق، توسعه،



به اندازه ظرفیت وجودی خودش دریافت می‌کند.

۴-۴-۱. نقش محاکات در فضاهای بازار

ملاصدرا توانایی محاکات امور عقلی به قوه خیالی و تجسم‌دادن آن‌ها را در کالدهای صور مثالی، توانایی کثرت‌بخشی یا بسیار کردن یکی می‌نامد. خیالی که واسط بین عقل و حس است، نقش محاکاتی صورت‌های عقلانی وحی و بازنمایی حقایق عالم بالاتر و پایین‌تر است (مداحی، حسینی‌زاده، داوودی، فتحعلیخانی، ۱۳۹۶). زیبایی‌های موجود در طبیعت از مصادیق محاکات در معماری و شهرسازی‌اند، مثل اشکال مُسَدَس انگبین، خانه‌های عنکبوت و عجایب دیگر جانوران که می‌توانند به‌عنوان الگو، توجه معماران مسلمان را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد هنر اسلامی به خودشان جلب کنند. انسان به‌عنوان آخرین تجلی ظاهری آفرینش میل به ارائه همان کثرت و همان اغراق دارد؛ اما نه در هنر ناتورالیستی که از طبیعت نسخه‌برداری و تقلید می‌کند، بلکه در هنری نمادین که از جلوه‌ها و تجلیات طبیعت نسخه‌برداری می‌کند، با ترفیع سطوح به همان شکلی که آفرینش مرتبه زمین را بالا برد (اردلان، ۱۳۸۰). هنرمند معمار و شهرساز شهر را در قیاس با بدن انسان محاکات می‌نماید که بازار شریان حیاتی این سیستم است و کل شهر با تأکید بر این شریان گسترش می‌یابد. چهارسوق و دالان‌ها فضاهای انتقالی‌اند که حرکت را در بازار گسترش می‌دهند و مانع از توقف رهگذران می‌شوند، همانند درون انسان سالک که در تلاش و حرکت مدام درون برای رسیدن به حقیقت واحد است و در این مسیر، مرشد و راهنمایی نیز قرار خواهند گرفت. این چهارسوها و دالان‌ها هم مانند راهنماها به وجود می‌آیند برای انتقال فرد به مراحل دیگر. در این گذر، به تیمچه و قیصریه می‌رسند که با حرکت بصری چشم به بالا و به مرکز گنبد تیمچه تأکید می‌شود که نور از وسط گنبد به این فضا می‌تابد و قوس‌ها در رکوع به سمت نور تمایل می‌یابند و به نور می‌پیوندند. در بازار، فضاهای اتصالیهمانند مسجدجامع وسراها وجود دارند که فضاهای منقبض رسته‌های بازار در صحن آن‌ها انبساط می‌یابند و باز هم حرکت چشم را به حوض مرکزی وسط حیاط می‌کشاند. سیر درونی که باعث انبساط خاطر سالک شده است و او را به سوی آبی که نماد پاکی و نشان از آینه دارد و او را به تصویر عالم مثال که در عالم محسوسات است

رهنمون می‌شود و در نهایت، اتصال بازار به گذرهای بیرونی و گذر از درون به بیرون و پیوستن به محله‌ها و یکی شدن آن با شهر که نمود اسفار اربعه صدرایی‌اند. محاکات در اینجا همان صورت محسوس دادن به این صور مثالی عالم مثل است.

۵. یافته‌های تحقیق و مدل برآمده از تحلیل

از یافته‌های این پژوهش وحدت در کثرتی است که جزو لاینفک فضای اصیل و بامعناست و هدف نهایی در محاکات این فضاها محسوب می‌شود. این پژوهش در راستای نتایج سایر پژوهشگران است که با روش و رویکرد دیگر اظهار شده است (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰؛ نقره‌کار، ۱۳۹۸؛ اشرافی، نقی‌زاده، ۱۳۹۴؛ رضایی، ۱۳۹۲، ۱۶۹-۱۹۰). در این پژوهش، نظریه حرکت جوهری با سیالیت و پویایی فضاها و وحدت تشکیکی با سلسله‌مراتب و درون‌گرایی فضاها متناظر شده است. در ارتباط و وابستگی مفاهیم به یکدیگر مشخص شد که حرکت جوهری (سیلان وجودی) یعنی حرکت ذات و همچنین حقیقت وجود و وحدت تشکیکی وجود از عناصر وحدت فضایی محسوب می‌شوند، یعنی حرکت جوهری به‌سمتی واحد سیر می‌کند و هرچند وحدت با تشکیک (سلسله‌مراتب) به کثرت متمایل است، طبق نظریه اصالت وجود صدرایی، بازگشت وجه اختلاف مراتب به وجه اشتراک یعنی حقیقت وجود است؛ لذا با سیر و توالی در عین وحدت است. همچنین محاکات صدرایی شکل‌گیری این وحدت در فضاهای شهری برای خلق اثری شگرف است که در عین توجیه طرح‌های ایرانی با ویژگی‌های طرح‌های معاصر جهان منطبق است. به‌بیان دیگر، طراح یا صانع با بهره‌گیری از محاکات، در انتقال دنیای مفاهیم به مصادیق است. بنابراین، نمودار را می‌توان ارائه داد. بازار ترکیبی است از وحدت و کثرت. به‌عبارتی، یک حقیقت واحد در حال تکرار است که بر اساس حرکت جوهری (سیلان وجودی) تبیین‌شدنی است و مضمون نظریه حرکت جوهری، تشکیک وجودی ر ترکیبی کامل آشکار می‌سازد. پس این مفاهیم با یکدیگر عمل می‌کنند. حرکت طولی امتداد پیدا می‌کند و بناهای مختلف با سلسله‌مراتبی در فضایی پیوسته و سیال شکل می‌گیرند. با تکرار طاق و تویزه‌ها، نیم‌گنبد‌های بیرونی سقف بازار و دکان‌ها بر این حرکت طولی تأکید می‌شود

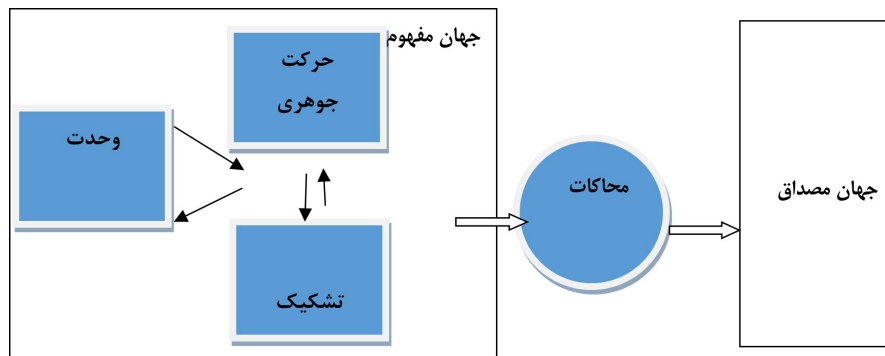


جدول ۱. یافته‌های پژوهش (ویژگی فضاهای شهری متناظر با مفاهیم فلسفی صدر).^۲

کدهای منتخب (صدرایی)	کدهای محوری (فضای شهری)	کدهای باز فضاهای شهری	کدهای باز حکمی بازار ایرانی	نمونه موردی مطالعه تطبیقی بازار (۲)
ایده کلان سازمان دهنده سازش	وحدت	«حس وحدت»، پیمون، نیارش، هندسه منسجم، نور، رنگ، فضاهای خلاء، شفاف کردن ماده، سمبولیسم هندسی، وزن، یکی شدن، منحصربه‌فرد، یگانه، ساختار واحد، توافق در تعامل، ترکیب اجزای متشابه و متباین، ترکیب سایه و روشن، نرم و سخت، آب و رنگ، زمین و آسمان، فشردگی و گشادگی، خشکی و طراوت، توزیع متوازن فضاهای شهری، ترکیب تداوم و انقطاع و تناسب در ترکیب‌ها، مرکز، نظم، تقارن، فضاهای وصل-گذر -اوج، مرکزگرایی (درون‌گرایی)، سبکی، سکون (آرامش و خلوت)	رسیدن از تاریکی به روشنایی تمرکز درونی انقباض فضاها، وزن، نظم و تناسب درجات نور تجمیع، توزیع متوازن فضاها و ترکیب فضاهای پر و خالی، ایجاد تعادل، رعایت سلسله‌مراتب افقی و عمودی، تکرار الگوهای خاص (aba,aca,ada,...) (acba,adea,...) و ایجاد تقارن، هم‌سانی، تنوع الگوها و الگوی سه‌بخشی وصل، گذر، اوج. دقت واحدهای مرتبط رنگ خاکی نمادهای باطن‌گرا، الگوهای ازلی	    
سیالیت پویایی تداوم	حرکت جوهری	پویایی، تفاوت‌های شدتی، سیالیت، روانی، فضای جریان‌ها، فرایندهای زایشی، رشد تدریجی، گسترش ارگانیک، خطوط شکسته و منحنی، فضای تاریک و روشن، موضوع محوری تکرار شونده پیوستگی (درون و بیرون)، امتداد دید	نقاط برخورد مؤکد (نقاط اتصال) توالی، امتداد، تداوم، تکرار فرم‌ها، سلسله‌مراتب افقی و عمودی، قابلیت مبادله عملکردها و جهت‌یابی فضاها فرم‌های سیال رسیدن از تاریکی به روشنایی	  
سلسله مراتب توالی فضایی	تشکیک	تقارن، مکث، سلسله مرتبه فضایی، گام‌ها، مراحل، رده‌بندی، تداوم فضاهای متصل تداوم، گذر از مقیاس و عرصه خصوصی‌تر به عمومی‌تر، درون و برون، پنهان و آشکار، فضاهای انتقالی مقدمه، مؤخره، پیش‌درآمد، فرود، انکشاف فضا، توالی تجمیع و تداوم حجمی وابستگی متقابل فضاها، تداخل	سلسله‌مراتب افقی و عمودی، قابلیت مبادله عملکردها، وابستگی و تداخل فضاها مرکزگرایی درجات و شدت و ضعف نور	 
بازنمایی قیاس	محاکات	روش‌های طراحی، آفرینش، خلق، توسعه، گزینه‌های مختلف، اسکیس، قیاس، کانسپت، کولاژ، استعاره و ایجاد، شهود، مکاشفه، بازتولید، خلق جدید، خلق مداوم	تغییر و تجدید مدام با حضور اشخاص و تبدل فضاها فرم‌های هندسی و فضاها نمادهای باطن‌گرا، الگوهای ازلی	  

آن است. فضای بازار در دالان‌ها منقبض و در سراها و تیمچه‌ها انبساط می‌یابد. مسجد جامع به‌عنوان فضایی کامل ارزش‌های خودش را به کل بازار گسترش می‌دهد. نور نیز که از مباحث مهم در فلسفه ایرانی است، در ترکیب با ماده به اشکال مختلفی ظهور می‌یابد و بر محوریت بازار تأکید می‌کند و وحدتی در بازار و در ارتباط با کل شهر شکل می‌گیرد.

و در اثر تکرار آن‌ها، یکدستی کاملی پدید می‌آید که بر اساس نظریه تشکیک وجود تبیین‌شدنی است. به‌رغم تنوع اجزای بازار، تناسب موزون در کل به وجود آمده است. تیمچه‌ها و تقاطع راسته‌ها با ایجاد فضایی یکدست اجازه گسترش فضا را می‌دهند. قیصریه‌ها و تیمچه‌ها با سقف‌های تزئینی پرکار حلقه پیوند بین جهان مادی و معنوی را پدید می‌آورند. پرداخت زیاد و حشو در بازار وجود ندارد و جوهره وجودی آن در خلوص و سادگی



نمودار ۲. طبق جدول ۱، مدل فوق به دست می‌آید که پیوند تشکیک، حرکت جوهری، وحدت و محاکات از دیدگاه ملاصدرا با مفاهیم شهرسازی است. مأخذ: نگارندگان.

تشکیک وجودی ملاصدرا نشان داده است. جهان مفاهیم صانع ایرانی با کمک تعقل، حس، شهود و محاکات به جهانی از مصادیق هدایت شده است که با وجود شباهت در آثار جهانی، یگانه و ممتاز است. می‌توان بازار را ایده ایرانی دانست که در آرمان‌شهر حکمت اسلامی و با توجه به اینکه فلسفه و حکمت به‌معنای تأله، یعنی تشبه به اله است، این آرمانشهر نیز در تطبیق بین جهان‌شناسی و معماری به نظر می‌رسد؛ شهری که مطابق با مراتب صنع و ابداع حضرت حق و مطابق با سلسله‌مراتب جهان‌شناسی حکمای مسلمان و تجلی و نماد و حکایتی از آن باشد. سلسله‌مراتب جهان‌شناسی حکمت متعالیه ملاصدرا عبارت است از عالم عقل و عالم مثال و عالم ماده. مرتبه نخست عالم مجرد و معنای محض است. مرتبه دوم مجرد از ماده است؛ اما آثار ماده همچون صورت (اندازه و رنگ) دارد و مرتبه آخر که ماده محض است. بنابراین، عالم مثال به‌عنوان عالم میانی با عالم مجردات و عقول شباهت و سنخیت دارد و از آن جهت که شکل و ماده دارد، به عالم ماده شبیه است. لذا به‌عنوان عالم میانجی، واسطه بین عالم مجردات محض و عالم ماده محض است. مقرنس‌ها و گنبد‌ها در معماری اسلامی حکایت

۶. نتیجه‌گیری

مفاهیم مطرح‌شده از سوی حکمای ایرانی می‌توانند در تبیین سازمان‌دهی فضاهای شهری به کار روند. در این پژوهش، بعد از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و تطبیق کدها با هم و با استفاده از روش تحقیق داده‌بنیاد و تحلیل محتوا و به‌ضرورت و به‌تناسب مباحث فلسفی در نتیجه‌گیری و ارائه نظریات از استدلال منطقی استفاده شد و با کمک نرم‌افزار اطلس تی‌آی خودش را به مفاهیم اصلی، اصالت وجود، محاکات، حرکت جوهری و وحدت تشکیکی از آرای صدرا در جنبه‌های کالبدی-فضایی شهرسازی محدود کرده است. ملاصدرای شیرازی جهان‌فلسفه را مزین به شرح جدیدی از مفاهیم، همچون وحدت، حرکت جوهری، تشکیک و محاکات کرده است که قابلیت بهره‌گیری و تطبیق و نظریه‌پردازی در علوم میان‌رشته‌ای را دارد، از جمله شهرسازی. برای نمونه، فضای بازار که زادگاهش ایران‌زمین است با یگانگی در عین کثرت زایش کرده و با سیالیت فضایی، تنوعی شگرف ساخته است و در دوره‌های تاریخی مختلف همانند کلیتی زنده با قاعده پیوستگی به حیات خویش ادامه داده است و در سلسله‌مراتبی از کل به جزء با حفظ یکپارچگی و انسجام، تصویری از نظریه

درون‌گرایی و مرکز‌گرایی از طریق تیمچه فراهم می‌شوند و نیروی کل مجموعه را به سمت خودشان می‌کشاند و نیز به سمت بیرون می‌گسترانند. کدهای سلسله‌مراتب و درون‌گرایی با نحوهٔ چیدمان فضاهای مجموعهٔ بازار و با تجمع آن فضاها در ارتباط‌اند. در این پژوهش، با تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش داده‌بنیاد و دسته‌بندی کدهای باز با کمک نرم‌افزار اطلس تی‌آی، مقوله‌های مرتبط با فضای شهری و بازار را استخراج نمودیم و ارتباط آن‌ها را بررسی کردیم. برای مثال، درون‌گرایی که ایجاد مرکز‌گرایی می‌کند، بین مفاهیم تشکیک و وحدت مشترک‌اند و کد نور نیز بین مفاهیم وحدت و تشکیک مشترک است. نور در حرکت جوهری از ابزار ایجاد سیالیت در فضاست و درجات نور و شدت و ضعف آن بازتاب تشکیک در فضا هستند و در نهایت، مهم‌ترین آرای ملاحظه‌را که نظریهٔ حرکت جوهری و تشکیک و محاکات‌اند تبیین نمودیم و به این نتیجه می‌رسیم که حرکت جوهری و تشکیک از عناصر وحدت‌اند و محاکات شکل‌گیری این وحدت در فضاهای شهری برای خلق آثاری پر معنا و اصیل و شگرف است. در پژوهش‌های آتی با تبیین نظریهٔ حکمت متعالیه می‌توان مقولاتی را که در حکمت متعالیه مطرح‌اند، به صورت استعاره و از طریق نمادپردازی به مخاطب منتقل و کاربرد آن را در معماری و شهرسازی مطرح نمود و در خلق و گسترش فضاها به کار بست. وظیفهٔ معمار یا شهرساز پیوند روح و معنا با کالبد است که این روح و معنا از طریق فلسفهٔ صدرایی قابلیت انتقال به فضا دارد. بنابراین، می‌توان آرای حکیمان ایرانی همچون ملاصدرا را در فضاهای طراحی شده جست‌وجو و نظریه‌پردازی کرد.

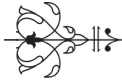
پی‌نوشت

۱. برای مطالعهٔ بیشتر نمونه‌های موردی و نمودارهای خروجی از نرم‌افزار اطلس تی‌آی، مراجعه شود به رسالهٔ دکترای نگارنده.
۲. در مقالهٔ حاضر، عکس‌های بازار و کیل شیراز از پایان‌نامهٔ ارشد نگارنده برداشت شده‌اند. نمونه‌های موردی دیگر از بازارهای ایران برای مطالعهٔ بیشتر در رسالهٔ دکترای نویسنده موجودند.

از دو مرتبهٔ نخست سلسلهٔ مراتب عوالم هستی دارند، یعنی مراتب مجرد محض و فضاهای هندسی تفاسیر دقیق‌تری از عوالم هستی نشان می‌دهند و با مفاهیمی که وی برای نخستین بار بر مفاهیم قبل از خودش افزوده است، همچنان می‌توان بازتعریف و فضاهایی نوین آفرینش کرد. بازار ایرانی الگویی زنده می‌شود برای آفرینش فضاهای ایرانی، به طوری که بناهایی در معماری معاصر ایران خلق می‌شوند که مانند بازار، رهگذران را به درون خودشان می‌کشند و با هستی‌های متعدد، بناها با عملکردهای متفاوت را به هم پیوند می‌دهند. در بناهای سنتی ایرانی علاوه بر اینکه مفاهیم ورای تزیینات و در فضا بازتاب پیدا می‌کنند، مانند بناهای مدرن غربی نیز هم‌راستا هستند با عملکردهای بنا. برای نمونه، مجموعه‌ای از بناها توسط معمار خلق می‌شوند و تناسب و تقارنی که پدید می‌آورند و وحدتی که بین اجزای این مجموعه برقرار است، باعث ایجاد آن زیبایی ماندگار خواهد بود که معمار آن شهودات خودش را در آفرینش این مجموعه به کار برده است و کالبدی متناسب با معنا و محتوا ایجاد کرده است. این همان تجلی اندیشهٔ عرفانی در پیدایش و آفرینش فضاست. کلیت یکپارچهٔ مجموعهٔ بازار با قاعده، پیوستگی و ترکیبی مناسب ایجاد کرده است. بازار ایرانی با رشد ارگانیک خودش در نتیجهٔ زایش و خلق مدام و استقرار آناتومیکی اجزای آن به وجود می‌آید. در مجموعهٔ بازار حشو و زوائد وجود ندارند و آنچه هست، خلوص و سادگی است. علاوه بر نمای نزدیک آن، نمای دور و چشم‌اندازی که در بافت شهری ایجاد می‌کند نیز چشمگیر است که با حذف موانع دید و توجه به خط آسمان به دست می‌آید. فضایی عرفانی با استفاده از سمبلیزم و نمادگرایی شکل گرفته است که از طریق درک الگوهای ازلی و تبدیل آن به نماد به آن می‌رسند و هندسهٔ منسجم با ایجاد فضای یکپارچه، وحدت فضایی را ایجاد می‌کند. نحوهٔ اتصال بناها در مجموعه و پیوند آن با محله‌های اطراف ایجاد سلسله‌مراتبی می‌کند که تجلی اسفار اربعهٔ ملاصدرا هستند. پیوستن از تاریکی فضاهای منقبض به روشنایی فضاهای منبسط ایجاد حرکت می‌کند.

منابع

۱. اردلان، نادر. ۱۳۸۰. حس وحدت. ترجمهٔ حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.
۲. اعوانی، غلامرضا. ۱۳۷۵. «مبانی مابعدالطبیعه». در مجموعه مقالات. تهران: حکمت و هنر معنوی.



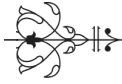
۳. ییاده، میرچا. ۱۳۹۱. مقدس و نامقدس. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. انصاریان، زهیر. ۱۳۸۵. «بازشناسی عناصر فلسفه هنر بر پایه مبانی حکمت صدرایی». مجله نقد و نظر. ۱۱ (۴۴). ۲۲۰-۲۴۶.
۵. آصفی، مازیار و شجاری، مرتضی و صفاسلخی خسرقی. ۱۳۹۶. «حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد بر مبنای آرای ملاصدرا (نمونه موردی: مسجد کبود تبریز)». کیمیای هنر. ۲۲ (۶). ۷۵-۸۸.
۶. تاجر، سعید. ۱۳۸۳. حکمت وجودی معماری با تأکید بر آرای صدرالمتألهین. رساله دکتری. دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
۷. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۶. «تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه». مجله پژوهش‌های معماری اسلامی. ۵ (۱). ۴۸-۶۷.
۸. رضایی، محمود. ۱۳۹۲. ارزشهای جاوید و جهان گستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرشهای فرا کالبدی و فرازمانی شهر اسلامی). پژوهشهای جغرافیایی انسانی ۴۵ (۳)، ۱۶۹-۱۹۰.
۹. رضایی، محمود. ۱۳۹۳. آنالوژیکای طراحی: بازنگری انگاره‌ها و پنداره‌ها در فرایند طراحی فرم و فضای معاصر. تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
۱۰. سلطانزاده، حسین. ۱۳۸۰. بازارهای ایرانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. سلیمانی شیبجانی، زینب و خاکپور، مژگان و رییس سمیعی، محمدمهدی. ۱۳۹۳. «بازنگری اصول و اهداف معماری ایرانی با استفاده از نظرگاه فکری ملاصدرا». نقش جهان. ۴ (۱): ۵۷-۶۴.
۱۲. خامنه‌ای، سید محمد. ۱۳۸۳. حکمت متعالیه و ملاصدرا. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۳. رئیس سمیعی، محمدمهدی. ۱۳۸۳. تأویل و کاربرد نظریه مراتب وجود در معماری. رساله دکتری. دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. شفیعزاده، اسدالله و کوهی گیگلو، توکل و عباسزاده، فاضل. ۱۳۹۷. «تطبیق مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا با قواعد گره‌سازی در هنر اسلامی بر مبنای رویکرد وجود تطبیق هم‌ارزی». فصلنامه عرفان اسلامی. ۱۵ (۵۸). ۳۰۷-۳۲۴.
۱۵. شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۳۸۶. معنا در معماری غرب. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۶. شیرازی، صدرالدین محمد. ۱۳۴۲. المشاعر. ترجمه بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله و ترجمه و مقدمه و تعلیقات فرانسوی از هانری کربن. تهران: انیستیتو ایران و فرانسه.
۱۷. _____. ۱۳۴۶. الشواهد الربوبیه. تصحیح و تعلیق: سید جلال‌الدین آشتیانی. مشهد: بوستان کتاب.
۱۸. _____. ۱۳۵۸. الواردات القلیبیه فی معرفه الربوبیه. ترجمه احمد شفیعی‌ها. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۹. _____. ۱۳۸۳. الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. تحقیق و تنظیم: علی‌اکبر رشاد. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۰. طاهری، جعفر. ۱۳۸۸. «نگاهی به سیر آرا و عقاید درباره نظریه محاکات». ادب‌پژوهی. ۳ (۱۰). ۲۰۷-۲۲۶.
۲۱. فراستخواه، مسعود. ۱۳۹۵. روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه (گراند تئوری). تهران: نشر آگاه.
۲۲. کربن، هانری. ۱۳۹۳. ملاصدرا: فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: جاویدان.
۲۳. مداحی، جواد و حسینی‌زاده، سیدعلی و داوودی، محمد. ۱۳۹۶. «سطوح خلاقیت بر اساس حکمت متعالیه». مطالعات اسلام و روان‌شناسی. ۱۱ (۲۰). ۵۹-۸۷.
۲۴. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۶. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
۲۵. معماریان، غلامحسین و رنجبر کرمانی، علی‌محمد. ۱۳۹۰. معماری ایران. تهران: سروش دانش.
۲۶. مهدوی‌نژاد، محمدجواد و ناگهانی، نوشین. ۱۳۹۰. «مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران». نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱ (۳). ۲۱-۳۴.
۲۷. میردامادی، سید محمدحسین و بیدهندی، محمد و صادقی حسن‌آبادی، مجید. ۱۳۹۸. «بررسی تأثیر مبانی و اندیشه‌های ملاصدرا بر معنای متن». فصلنامه اندیشه دینی. ۱۹ (۲). ۲۱-۳۴.
۲۸. نصر، سیدحسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: نشر حکمت.
۲۹. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۴۰۰. آفرینش هنری بر مبنای حکمت قرآنی و متعالیه. تهران: هنرهای صناعی اسلامی.



References

1. Amini Hajibashi, Mahsa, Rezaei, Mahmud, Bandarabad, Alireza. 2016. The position of Islamic urban values in contemporary theories of urban, modern cities and societies, National Conference on Architecture and Urban Planning from Theory to Practice.
2. Ansarian, Zaheer. 2006. Recognizing the elements of philosophy of art based on the principles of Hikmat Sadrai. *Naqd Va Nazar Journal of Philosophy & Theology*, 11(44).
3. Ardalan, Nader, and Bakhtiar, Laleh. 2002. *Hes-e Vahdat* [The sense of unity: The sufi tradition in persian architecture]. Translated to Farsi by Shahrookh, A. Tehran: Nashre Khak. (Original work published in 1973).
4. Awani, Ghulam. Reza. 1996. Our principles are the dimension of nature, wisdom and spiritual art. *Collection of Articles*, 317-326.
5. Bachelard, Gaston. 1994. *The Poetics of Space*. Boston: Beacon Press.
6. Corbin, Henry. 1993. *Mulla Sadra is a great Islamic philosopher and thinker*. Translated by Zabih. Allah. Mansouri. 2014. Tehran: Javidan.
7. Deleuze, Gilles. 1994. *Difference and Repetition*. Britain: The Athlone Press.
8. Eliade, Mircea. 1959. *The sacred and the profane; the nature of religion*, 1959. Translated by Behzad, Saleki. 2012. Tehran: Scientific Cultural Publications
9. Falahat, Somaiyeh. 2018. *Cities and Metaphors*. London AND NEW YORK: Routledge..
10. Farasatkah, Massoud. 2016. *Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory*, Tehran: Aghah Publishing.
11. Forty, Adrian. 2000. *Words and Buildings*. London: Thamas & hudson ltd.
12. Heidegger, Martin. 1971. *Poetry Language, Thought*. New York: Harper and Row.
13. Kamalizadeh, Tahereh. 2018. *Analysis of Mulla Sadra's Method In Compiling Works*: Herald Thomson Reuters Web of Science NAMSCA, 4.
14. Khameneyi, Mohammad (2004) *Molla-sadra and Hekmate-mota-alieh*, Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation.
15. Lefebvre, Henri. 1991. *The production of space*. Oxford: Oxford Blackwell.
16. Maddahi, Javad, Seyyed Ali Hossenizadeh, Mohammad Davoudi and fath Alikhani. (2017). Levels of creativity based on transcendental wisdom. *Studies in Islam and Psychology*, 11(20), 59-87.
17. Mahdavinejad, Mohammad, and Nooshin Nagahani. (2011). *Expression of Motion Concept in Contemporary Architecture of Iran*. *JOURNAL OF STUDIES ON IRANIAN ISLAMIC CITY*, 1(3), 21-34. [Persian]
18. Memarian, Gholam Hossein Ranjbar Kermani, Ali Mohammad. 1390. *Iran's architecture*. Tehran: Soroush Danesh.
19. Memariyan, Gholam Hossein. 1386. *A look at the theoretical foundations of architecture*. Tehran: Soroush Danesh Publications.
20. Mirdamadi, Seyed Mohammad, Hossein Bidhindi, Mohammad Sadeghi Hasanabadi, Majid. 2020. Investigating the Influence of Mulla Sadra's principles and Thoughts on text meaning, *Journal of Religious Thought* 19(2): 21-34.
21. Nasr, Seyed Hossein, 2010, *Islamic Art and Spirituality* (R. Ghasemiyan, trans) Tehran: Hekmat Publication.
22. Noghrekar, Abdol Hamid. 2021. *Islamic wisdom in the Creation of Works of Neo and Urbanism*. Tehran: Soroush.
23. Ponty, Merleau. 2004. *The World Perception*. London: Routledge.
24. Reis Samii, Mohammad Mehdi 2007. *Interpretation and application of the theory of existence in architecture*.
25. Rezaei, Mahmud. 2020. *Reviewing Design Process Theories: Discourses in Architecture, Urban Design and Planning Theories*. Singapore: Springer.
26. Rezaei, Mahmud. 2013. *Eternal and International Concepts of Islamic Cities Revealing Urban Islamic Views Far Beyond The Body And Time*, *Human Geography Research Quarterly*, 3(45).
27. Rezaei, Mahmud. 2014. *Design Analytica (Reviewing Theories and concepts in contemporary design process of form and space*. Tehran: Central Tehran Branch, Islamic Azad University





28. Schultz, Christian Nurberg, 2007, *Meaning in Western Architecture*, (M. Qayyumi Bidhendi, trans) Tehran: Academy Art .
29. Shafizadeh, Assadollah, Tavakol Koochi Gigloo, and Fazel Abbasszadeh. (2018). *Adaptation of Mulla Sadra's concept of immobile motion with the rules of "knotting" in Islamic art based on the existence equivalence matching*. RELIGION & MYSTICISM, 15(58), 307-325.
30. Shajari, Maziar, Safa Salkhi khasraghi, and Morteza Asefi. (2017). *Perfection Movement of the Soul of Man in Mosque Space on the Basis of Mulla Sadra's Views Case Study: Tabriz Blue Mosque*. Kimiya-ye-Honar, 6(22), 75-88.
31. Shirazi (Mulla Sadra), Muhammed Ibn Ibrahim. 1967. *Al-Shawahid al-rububiyah*. Edited by Seyyed-Jalal-Aldin, Ashtiyani. Mashhad: Bustaneketab.
32. Shirazi (Mulla Sadra), Muhammed Ibn Ibrahim. 1979. *Al-waridat al-qalbiyyah*. Translated by Ahmad Shafiha Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy
33. Shirazi (Mulla Sadra), Muhammed Ibn Ibrahim. 2004. *Al - Hikmat al - muta'aliyah fi' L- Asfar al - araba' a al-aqliyyah* [Transcendent wisdom in Four travels], Edited by Reshad, Ali-Akbar, Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation.
34. Shirazi (Mulla Sadra), Muhammed Ibn Ibrahim. 1963. *Al-Mashair*. Translated by Emad-Al-Doleh, Badi-Al Malek-Mirza, and Corbin, Henry, Tehran: IFRI.
35. Simon, O Meara. 2007. *space and Muslim urban life: at the Labyrinth of Fez*. UK: Routledge.
36. soleimani sheijani, Zeinab, Mojgan Khakpour, and Mohammad Mehdi Reis samii. (2014). *A Review on the principles and objectives of contemporary architecture in Iran from Mulla Sadra's point of view*. Tarbiat Modares University Press Naqshejahan, 4(1), 57-64.
37. Sultanzadeh, Hussein 1380. *Iranian Bazaar*. Tehran: Shahid Beheshti University.
38. Taghdir, Samaneh. (2017). *Explaining the human perception levels and process and its role in the quality of creation of architectural works Based On Transcendent Wisdom*. Journal of Researches in Islamic Architecture, 5(1), 48-67.
39. Taheri, Mohammad. (2009). *A Short History of Outlooks on Mimesis*. Adab pazhuhi: 3(10), 207-226.
40. Tajer, Saeed. 1383. *Existential wisdom of architecture with emphasis on the views of Sadr AlMotalihin*.





The explanation of concepts of Sadra's philosophical theory in relation with urban spaces creation (case study: Iranian Bazaar)

Samira Mehrafza

Department of Urban Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mahmud Rezaei
(Corresponding Author)

Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tahere Kamalizadeh

Department of Transcendental Wisdom, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

Received: 1396/12/07

Accepted: 1401/10/27

Abstract

Thought that has had an Iranian identity is a linking that was lost in the formation of cultural identity of the contemporary spaces that can have been a role in the architecture, and urban planning and be transfer to the future. There are concepts of wisdom over the time that it cannot reach to its sublime place with the superficial interpretations. This article seeks this question that what are the relation among the concepts of Molla-sadea- Shirazi's philosophical viewpoints and how does it interpret in the urban spaces? The purpose of this essay is to identify and analyze this polymath's points of view, as well as their applicability to the adaptation of a distinctive Iranian urban design. It is possible to create Iranian architectural and urban spaces and maintain them in the spaces as a kind of an Iranian cultural identity unit by examining the notions of wisdom and corresponding to the place. This study is conducted on a grounded theory method, and contains logical reasoning with a content-analysis approach. Using ATLAS.ti, it and coding of data, also it contains summarizing and analyzing the original texts, the studies of urban design, questionnaires. The main concepts were coded in three stages in open, axial and selected codes. The concepts of Iranian Bazaar with the axial codes are correlated to the concepts of selected codes. The concepts of unity, substantial motion, gradation, and mimesis are divided as selective codes. One of the findings of research shows that "Vaajeb-al-vojoood" the existent by necessity, just like its originality and personal unity has the unity of gradation with the beings of world, its intensity and weakness is different that the entities of this unity are formed with the substantial motion of the creature. The formation of this unity in the urban space that emerges can be understood spatially as substantial motion in the form of fluidity and dynamism of the space, gradation in the form of hierarchy in the space, introversion creates unity of space and integration with the surrounding urban context, and mimesis of Sadra. Beyond the word of imitation with connecting the imagination of the artist to the world of idea and mimesis of this word, the integrated architectural and urban space emerge.

key words: substantive motion, fluidity, gradation, hierarchy, mimesis, design, unity of space.